

## اصلاح‌طلبی را پادگانی نکند

انتخابات دوره پنجم شورای شهر برای اصلاح‌طلبان بیش از یک انتخابات است. عرصه‌ی بروز و ظهور صداهای مختلف و رنگین کمان اصلاح‌گری در جامعه‌ی امروز ایران است. چهره‌هایی که از نیروهای فعال حامی محیط زیست و فعالان حقوق زنان شروع شده و به متصب‌ترین نیروهای سیاسی مذهبی حال حاضر جامعه کنونی ایران ختم می‌شود.

اما آنچه این انتخابات را از بقیه‌ی مناسبات این‌چنینی متمایز می‌کند بسیار بیشتر از تنوع کاندیداهاست. تنوع کاندیداها در برابر تنوع و تلون رفتار و شمار اصلاح‌طلبانه تقریباً به چشم نمی‌آید.

آنچه تاکنون از شمارهای اصلاحات شنیده‌ایم آزادی‌اندیشه و حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن بوده است. نفی نظارت استصوابی و نفی طبقه بندی شهروندان از اصول بدیهی پایبندی به اصلاحات است. شهروندان همگی درجه یک شمرده می‌شوند و زیرپا گذاشتن حقوق آنان نفی حقوق انسانی است. اما اتفاقی که این روزها در اردوگاه اصلاح طلبی افتاده است از برخی جهات نمودی مغایر با این آموزه‌ها دارد. تهیهی لیست پرحرف و حدیث اصلاحات یا سازو کار نامشخص و غیر شفاف معنایی جز نظارت استصوابی ندارد. انتخاب دوستان و نزدیکان در پروسه‌ای تبعیض آمیز برخلاف روال دموکراتیک و رقابت شفاف است و معنایی جز درجه بندی اعضای جبهه اصلاحات ندارد، هر که نزدیکتر مقربتر و متنفع از امکان ورود به سهمیه بندی‌ها. اما آنچه جمع احزاب اصلاح طلب را تبدیل به سازمانی توالتیر و خودکامه می‌کند بخش نهایی ارانه‌ی لیست است. در این مرحله همگی ملزم به کناره‌گیری و عقب نشینی به نفع برگزیدگان هستند. زیرا باید برگزیدگان در محیطی خالی از رقابت بدون اثبات توانایی و برتری خود رای اکثریت را بدست بیاورند. اگر هم کسی مقاومت کند طبعاً به آرمان اصلاح طلبی خیانت کرده است. در انتخابات مجلس دهم که به جهت شرایط خاص سیاسی ضروری بود لیست اصلاحات توسط حامیش حمایت ویژه شود جناب سید محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات با پیامی بجا تمامی امکانات نداشته اصلاح طلبان را جبران کرد. یکجا سی نفر برای اصلاحی شورای اسلامی و پانزده نفر را برای مجلس خبرگان در یک دور انتخابات با رای قاطع به مجلس فرستاد. از آن پس طبیعی بود که اصلاح طلبان چنین سرمایه اجتماعی را حق خود بدانند و رقیب را با صدا و سیمای میلی و خیل امکانات نهداها پشت سر بگذرانند. اما از جایی خرج این سرمایه شکل ولخرجی و انهدام اموال آینده به خود گرفت. دوستان ما به این نتیجه رسیدند نیازی نیست برادری خود را اثبات کنند یا حتی هزینه‌ای برای ای نهای کیمرفق اصلاح طلبی بدهند،کافیست با نزدیک کردن خود به کانون‌های قدرت و از طریق خانواده‌های ارباب سید اصلاحات بخواهند با پیامی نفرات برگزیده در این پروسه ناشفاف را به حامیان و بدنه ی اجتماعی اصلاحات تحمیل نمایند تا نور چشمان بدون تحمل مشقت و اثبات توانایی و لیاقت وارد عرصه‌ی خدمت(!) شوند. تا اینجا می‌توان اظهار داشت ملامکت خوشی خسروان داند و پس. اما ازای پس فشار و تهدید و توهین چهره‌های لایبه‌های بالا به نامزدهای خارج از دایره خود‌های و در واقع به شهروندان درجه دو آغاز می‌شود. تحت عنوان دلوایسی برای آینده اصلاحات، دلوایسان و انتحارطلبان جدید وارد صحنه می‌شوند و وظیفه قطع و قطع افراد گیروایسته را به عهده می‌گیرند، چه کسی حاضر است خود را به خطر اندازد و در چنین فضایی که هراس از رقبای ناچوانمرد وجود دارد حاضر به مقابله با اقتدار گزریان مدرن شود. اقتدارگرایانی در پوشش شمارهای زیبا ولی با روشی سمنوخ و مربوط به عهد قجر. امروزه حتی اصولگرایان هم به حامیان خود تکلیف نمی‌کنند به چه کسی رای بدهید بلکه با دادن نشانی آنان را به راه راست و درست(!) رهنمون می‌سازند ولی دوستان روشنگر و آزاده‌ی اصلاح طلب هم تعیین می‌کنند به چه کسی رای بدهید و هم رقبای همفکر و همکار را تخریب و از میدان به در می‌کنند، تئورش سخت نیست که آینده این روش را حدس بزنیم. حتی اصولگرایان که زمانی با یک فراخوان تجمعات مردمی برگزار می‌کردند امروز برای هر مناسبتی از حامیان کرایه‌ای استفاده می‌کنند. زیرا کمتر فرد غیر تشکیلاتی حاضر به همراهی با اصولگرایان است. آیا اصلاحات نیازی به بدنه اجتماعی و حامیان خود ندارد یا هزینه حامیان کرایه‌ای را نیز رانتخوران می‌دهند؟

### نگاه نو

## منابزه سوم

علی محمد نظری – استاد دانشگاه

حال دیگر رقابت انتخابات ریاست جمهوری جدی شده است. مناظره سوم برای طیف اعتدالگرا و اصلاح طلب از یک سو و جناح مقابل از سوی دیگر، حکم مائین را رفتن بر جایگاه ریاست جمهوری و دااشت. در این مناظره به نظر رسید حسن روحانی و معاونش درخشان را به‌خوبی مرور کرده و بجای دفاع از اول دستت به حمله زدند. گوئی روی دقیقه به دقیقه این چند ساعت فکر کرده بودند. از همان ابتدا حمله توسط جهانگیری آغاز شد با این جمله که: چرا چیزی از برنامه هایتان نمی‌گویید. اسحاق راسق می‌گفت نه در دولت مردم گفته شده بود که چگونه پنج میلیون شغل ایجاد می‌شود و نه در دولت کار و کرامت صفحه ای از برنامه آقای رئیسی شنوده شده بود، اسحاق درست به هدف زد. مخصوصاً به آقای رئیسی گفت که تا یک ماه قبل نیت شما خدمت در جوار امام غریب بوده و قصدی برای آمدن در صحنه انتخابات نداشتید و به همین جهت این جزوه ای که باید پر از برنامه باشد، احتمالاً خالی تر از آن است که بتوان برنامه‌ای اجرایی از میان آن برد. در ادامه مناظره هم آقای رئیسی باز، گوشه‌ای از برنامه را باز نکرد و در راهی قدم گذاشت که روحانی میخواست و وقتی دوباره تکرار کرد که مناظره ای بین احمدی نژاد و روحانی برگزار گردد، روحانی به هدف زد که اکثر وزرای احمدی نژاد در ستاد شما فعال هستند و اگر قرار است چنین مناظره‌ای باشد، شما نماد او هستید پس نباید راه دور رفت. باشنه آشیل صحبت های رئیسی مقابله با فساد است و نیز روی این هدید مانور داد و حمله روحانی و جهانگیری که شما در جایی کار میکنید که وظیفه اش مبارزه با فساد است کو گوشه ای از این مبارزه و وقتی اسم منتهی مثل قاضی مرتضوی می‌روند، عنوان حامی می‌آید که بعد از گذشت چهار سال هنوز برایش حکمی صادر نشدن این یعنی تیر خلاص بر عملکر! آقای رئیسی مثل دانشجویی که درشش را بخوانده و وارد جلسه امتحان شده است، سردرگم و پر استرس نشان داد و البته زیاد از ناحیه ادب و احترام به دیگران دور نشد که بالاخره این دوره می‌گذرد و باز باید چه در مشهد یا چه در تهران روزگار ادامه یابد!ما در دیگر سو باقر قالیباف رامشش کتک خورش ملس است، درست پاس های گل به‌خودی‌شایی پی می‌آمد و حسن و اسحاق که به نوبت یکی به حمله میرفت و یکی به دفاع از این پاس‌های گل استفاده می‌کردند و پشت سر هم گل میزدند. هرچه بود آقای رئیسی بخاطر کار در قوه قضاییه در هاله ای از ابهام است وجود آقای قالیباف ناچاراً در جوار رسانه ها و دوربین‌هاست و کارش چه در نیروی انتظامی و چه در شهرداری تهران در موج انتظار قرار دارد. او به رای قشر متوسط و فقیر نیاز دارد و می‌خواهد خود را حامی آنان نشان دهد، اما شتر سواری دلاّ تلا نمی‌شود. وقتی که او خودش از کلمه املاک نجومی استفاده کرد یعنی اصل مطلب را پذیرفته و این که آنها را به کارگران زحمتکش شهرداری داده است از آن گل به‌خودی هایی بود که مرغ پخته را به خنده وادار میکرد و صفحات تلگرام پر شد از کسانی که این املاک را گرفته اند و تائیه ای در شهرداری کار نکرده‌اند. هدف قالیباف فقط و فقط تخریب بود و نمی دانست که قانون سوم نیوتن می‌گوید که هر عملی را عکس العملی استست برابر اما در جهت عکس؛ به همین خاطر که سه اتهام زد جهانگیری و روحانی مثل این که از قبل انتظار چنین اتهاماتی را داشتند به‌خوبی از پسش برآمدند و تیر خلاص را در دوره در چهار دقیقه آخر زد که بسیار خوب مدیریت زمان کرده بود و گذاشته بود جایی تیر خلاص را بزند که طرف از وقت اضافه اش هم عبور کرده باشد، و این بود که خبر داد شما گفتی دانشجویان را بیاورید تا ما لوله اشان کنیم. روحانی دفعه قبل گازانبر و سرهنگ را برایش گفته بود و این بار لوله را زیر او کتک خورش ملس است. قالیباف هم مناظره را باخت و هم اخلاق را! او مثل کشنی گریه که شش بر صفر حرف است فقط به آب و آتش زد و از همه برگ های برنده اش که آخرینش اخلاقی بود استفاده کرد و اسحاق برایش گفت که دفعه قبل تعداد آرای‌اش در شهر تهران که باید پایگاه لاری اول او باشد فقط هفتصد هزار ای بوده یعنی نصف آخرین نماینده مجلس از تهران! قالیباف در بدترین حالت که انتخابات دو مرحله ای هم به فرض مجال شود مسافر دوره دوم نیست.هاشمی طیار مرد اخلاقی مناظره شد و هر چه گفت برنامه و اهدافش بود و گاهی نیز به روحانی و اسحاق کمک کرد. مریسلیم سوال کننده خوب و جواب دهنده بود. اگر چه او به اندازه حاج حبیب خدا یارمز خوب نبود، اما نشان میدهد که مولفئه متوقف است، ریشه دارد و مسائل را پیگیر است، می‌داند پیروز انتخابات نیست اما می‌خواهد بگوید هستم زیرا به انتخابات فکر میکنم. دست آرازیکنه روحانی و اسحاق به آرای خاموش نیاز دارند و این مناظره آخرین فرصت های آنان در به صحنه آوردن این گروه بود که امارها نشان از توفیق آنان در این باره است.

جهانگیری:

### از حرمت و کرامت انسان می‌گویند، انگار نه انگار این‌ها بودند که مطبوعات را فله‌ای می‌بستند

### روحانی در جمع هواداران خود در تبریز و ساری خطاب به سایر نامزدها:

## هر چه رأی می‌خواهید به شما می‌دهیم شما را به خدا

## مقدسات مردم را رها کنید



راه اعتدال را برگزینید.

ای‌ می‌ خواهید راه ارتباط با جهان را ادامه دهید یا راه ها را ببندید؟

ما برای عبور راحت تر مردم از کنارگذرها، پروژه ای را که ۱۵ سال در ساری، بابل و چالوس باقی مانده بود به اتمام رساندیم.

شما دلتان می‌ خواهید دوباره کاسبان تحریم کار خودشان را انجام بدهند. روحانی پروژه ای را که ۹۲ سال در ساری، بابل و چالوس باقی مانده بود به اتمام رساندیم.

شما دلتان می‌ خواهید دوباره کاسبان تحریم کار خودشان را انجام بدهند. روحانی پروژه ای را که ۹۲ سال در ساری، بابل و چالوس باقی مانده بود به اتمام رساندیم.

شما ن آه دفاع از ملت ایران سخن درشت گفتن بود یا در تعقل حل مشکل کردن؟ سازمان ملل و شورای امنیت و ملت ایران که همانند، پس چه چیزی عوض شده؟ نحوه استفاده از قدرت ملت ایران در برابر جهان.

ای‌ می‌ خواهید دوباره دیوار ساخته شود یا پل بسازیم؟

ای‌ می‌ خواهید از اعتماد و دین مردم برای قدرت و سیاست استفاده کنیم یا از قدرت و سیاست برای دین استفاده کنیم؟

مردم در روز جمعه تصمیم خودشان را با آرایشان اعلام خواهند کرد.

استان مازندران باید دروازه ارتباط ما با شمال و شرق و غرب جهان باشد. ما معتقدیم که راه ارتباط با جهان از شمال ایران بگذرد.

ما در همه استان های شمالی راه ارتباط با جهان را گشایش خواهیم داد. مردم، انتخاب با شماست. آنچه در گذشته بود، بازار واردات برای دنیا بود. اگر می‌ خواهید ایران بازار واردات برای جهان باشد به دیگران رای بدهید. اگر می‌ خواهید مرکز صادرات باشیم،

اسحاق جهانگیری با انتشار توییتی نسبت به اظهار نظر کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری درباره آزادی واکنش نشان داد.
به گزارش ایسنا، اسحاق جهانگیری در توییت خود نوشت:در مناظره‌ها همه از آزادی می‌گفتند، همه از حرمت و کرامت انسان‌ها می‌گفتند و انگار نه انگار که این‌ها بودند که مطبوعات را فله‌ای می‌بستند.جهانگیری همچنین در توییت دیگری نوشته است: جوان تهدید نیست و باید جوان را باور کنیم. اگر به دنبال آرمان‌ها و ارزش‌ها هستیم باید به جوانان این کشور اعتماد کنیم.

### روحانی در جمع هواداران خود در تبریز و ساری خطاب به سایر نامزدها:

## هر چه رأی می‌خواهید به شما می‌دهیم شما را به خدا

## مقدسات مردم را رها کنید

ما آذربایجان را از لحاظ کشاورزی، مقتدرتر خواهیم کرد.

ما می‌ خواهیم تبریز را به مرکز تجارت تبدیل کنیم.

آی‌ ملت ایران هرروز باید در این فکر باشند که کی قطعنامه جدیدی علیه‌شان وضع می‌ شود یا منتظر باشند که چه گشایش جدیدی در زندگی شان ایجاد می‌ شود.

شما بازار نفت ما را به عربستان دادید، بعد اظهار قدرت کردید. شما منابع مشترک نفتی و گازی ما را در اختیار دیگران گذاشتید بعد اظهار قدرت کردید.

شما رفیقید در مذاکرات پابینه خواندید و تحریم جدید گرفتید و برگشتید.

این دولت کاری که کرد این بود که مردم میدان دیپلماسی را درست انتخاب کرد.

مردم، مگر نمی‌ خواستید در کشاورزی

بیشتر روی پای خودمان بایستیم. آنها شعار انقلابی گری می‌دادند، اما در سال آخر ۶ میلیون تن گندم برای نان مردم وارد کردند.

سلام بر همه شما که یاد خرداد ۹۲ و ۷۶ در ۲۹ اردیبهشت زنده خواهید کرد.

مردم آذربایجان، من در سال ۹۲ به شما قول دادم اگر رئیس جمهور شوم، اولین

تصمیمم راجع به احیای دریاچه ارومیه خواهد. اگر همین تصمیم اجرا نمی‌ شد،

امروز در آذربایجان شرقی و غربی چه وضعی داشتیم؟ طوفان نمک همه منطقه را فرا می‌ گرفت.

عزیزان من، با خشک شدن دریاچه ارومیه، فقط کشاورزی از بین نمی‌ رفت. مردم مجبور به مهاجرت از منطقه می‌ شدند.

از آغاز این دولت، هر کس خواست باید آذربایجان برای سرمایه گذاری، منتظر دوجیز بیود: یکی اینکه برجام تحقق یابد

و تحریم ها شکسته شود. دوم اینکه می‌ خواستند ببینند دریاچه ارومیه می‌ماند یا نه.

اگر دریاچه یببند دریاچه ارومیه می‌ماند یا نه، سمت خشکی مطلق می‌ رفت، هیچکس برای سرمایه گذاری نمی‌ آمد و همه می‌ رفتند.

آذربایسان، آجرهای دیوار تحریم را در یک انبار گذاشته اند که اگر دولت عوض شد، آن ها را دوباره بیاورند.

ما راه آهن میانه به تبریز را آماده خواهیم کرد.

E-mail: mostagheldaily@gmail.com

اسحاق جهانگیری با انتشار توییتی نسبت به اظهار نظر کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری درباره آزادی واکنش نشان داد.

به گزارش ایسنا، اسحاق جهانگیری در توییت خود نوشت:در مناظره‌ها همه از آزادی می‌گفتند، همه از حرمت و کرامت انسان‌ها می‌گفتند و انگار نه انگار که این‌ها بودند که مطبوعات را فله‌ای می‌بستند.جهانگیری همچنین در توییت دیگری نوشته است:

جوان تهدید نیست و باید جوان را باور کنیم. اگر به دنبال آرمان‌ها و ارزش‌ها هستیم باید به جوانان این کشور اعتماد کنیم.

### سیاسی

#### یادداشت روز

### انتخاب های سرنوشت ساز

جواد شفقانی – روزنامه‌نگار

گاهی فقط یک تصمیم اشتباه می‌تواند همه چیز را بر باد دهد؛ هر آنچه را که سالها تلاش کرده‌ای و بدست آورده‌ای، می‌شود که با یک انتخاب نادرست از دست بدهی. اما بازی می‌شود برگشت و از نو شروع کرد.

گاهی فقط با یک تصمیم اشتباه همه چیز به یکباره تمام می‌شود؛ هر آنچه را که سالها تلاش کرده‌ای و بدست آورده‌ای، از دست می‌دهی و دیگر نمی‌شود که برگردی و از نو شروع کنی. دیگر نه فرصتی باقی‌ست و نه امکان جبران اشتباه و شروعی دوباره؛ یک عمر به خودت نادمی می‌شوی.

گاهی با یک انتخاب نادرست، دیگران را می‌رنجانی؛ می‌شود که برگشت و دل‌شان را بدست آورد و همه چیز را درست کرد. گاهی فقط با یک تصمیم اشتباه همه چیز تمام می‌شود و همه کس نابود می‌شوند؛ دیگر نه چیزی هست که برگردی و درستش کنی و نه کسی می‌ماند که اشتباهت را جبران کنی؛ به همه چیز و همه کس مدیون می‌مانی.

ما هر روز صبح تا شب در حال انتخاب کردن هستیم. برخی از این انتخاب‌ها، انتخاب‌های روزمره هستند و برخی دیگر انتخاب‌های اساسی. تمام نادرست انتخاب‌های روزمره نمی‌توانند ناخوشایندی چندان را موجب شوند. انتخاب یک لباس نامناسب بر چقدر هم ناخوشایند باشد، موقتی و زودگذر است. اما انتخاب‌های اساسمان گاها می‌توانند دارای تبعات انتخاب مسیر زندگی، عقاید شخصی، انتخاب شریک زندگی و تصمیم‌گیری برای آینده کشورمان باشند. درستی یا نادرستی این انتخاب‌ها یک عمر ما را درگیر خودشان می‌کند. نتایج یک سری از انتخاب‌هایی که ما می‌کنیم فقط مقطوف به خودمان است و نتایج یک سری دیگر می‌تواند خودمان، دیگر افراد، موجودات دیگر و حتی شاید نسل‌های گذشته و آینده را نیز شامل شود. بعضی وقت‌ها تمات یک انتخاب اشتباه می‌تواند آیندگان ما را نیز دچار مشکل سازد و در روایت‌هایی که آنها در مورد ما و گذشته‌شان می‌خوانند ساخت تاثیر بگذارد. و حتی گاهی از اوقات انتخاب‌های ما تبعاتی برای موجودات دیگر و محیط زیستمان دارد.

خیلی وقت‌ها انتخاب‌های ما در شرایطی عادی صورت می‌پذیرند؛ در این مواقع بیشتر منافع خودمان را مدنظر قرار می‌دهیم. اما در بعضی وقت‌ها انتخاب‌هایمان را باید در شرایطی غیر معمول و شاید بتوان گفت در یک شرایط سرنوشت‌ساز انجام دهیم و در این انتخاب‌ها بیشتر منافع همگان را مدنظر قرار می‌دهیم. مثلا در انتخابات معمول که در کشورهای دموکراتیک انجام می‌شوند هر گروهی به تناسب منافع صنفی و شخصی خودش به این یا آن گروه رای می‌دهد. اما در این شرایط خاص به مانند رقابت‌نوم‌ها با نظرسنجی در مورد مسائل کلی اجتماعی، به منافع جمعی و کلی توجه بیشتری می‌شود تا منافع گروهی.

تا چند روز دیگر در ایران انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار خواهد شد. ما توجه به کاندیداهای شرکت کننده و شرایط خاص جامعه خودمان با وواضع محیط بیرومون‌مان، انتخابی که ما انجام خواهیم داد یک انتخاب اساسی است که تبعات و نتیجه آن خودمان، دیگران، نسل آینده و حتی محیط زیستمان را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد.

ما با یک جریان و تفکری در ایران رو به رو هستیم که دموکراسی یعنی آن نه هدف، بلکه فقط وسیله‌ای‌ست برای کسب قدرت و پیشبرد منافع گروهی خودش. فرقی هم نمی‌کند نماینده این جریان احمدی‌نژاد باشد یا رئیسی و… قانون برای این جریان فقط تا جایی قابل اجراءست که منافضش را تحدید نکند. اخلاق، فرهنگ جامعه و زیست و معیشت مردم تا جایی برای این جریان مهم است که در راستای منافع خاص خودشان باشد.

ما باید انتخاب‌هایمان مسئولانه باشند. یک تصمیم اشتباه و یک انتخاب نادرست می‌تواند خودمان، اطرافیان‌مان، محیط زیست‌مان، آیندگان‌مان، گذشتگان‌مان و تمام میراث فرهنگی و سنت‌مان را در معرض تهدید قرار دهد. حضوری افرادی همچون سعید مرتضوی در سخنرانی‌های انتخاباتی رئیسی نمی‌تواند از روی تصادف باشد. افرادی که حتی شنیدن اسمشان هم برایمان آزار دهنده هست. امروز گروه‌های مختلف اجتماعی باید بدانند که برای همه مردم ایران دارند تصمیم می‌گیرند نه فقط برای خودشان. گاهی وقت‌ها باید چشم بر منافع شخصی خود بست تا همه بتوانیم از منافع جمعی استفاده کنیم. امروز اگر ابراهیم رئیسی دست بر روی گروه‌های محروم گذاشته و درصد جلب نظر این گروه‌هاست، سعی بر این دارد تا جامعه را از توجه به مسائل جمعی و نتیجه‌ای که این انتخابات بر زیست جمعی ما دارد، بازدارد.

بیایبست فقط برای دفاعی از صفحات مجازی بیرون بیاییم و اگر هنوز هم قدرت فکر کردن را داریم، اندکی به این انتخابات و تصمیمی که خواهیم گرفت، فکر کنیم. مبدا فردا شییمان شویم؛ هر بازگشتی به گذشته، فقط تکرار گذشته نیست. یک وقت‌های بازگشت به گذشته می‌تواند تلطامت جبران ناپذیری داشته باشد.

#### خبر

### تحلیل حمید ابوطالبی رئیس دفتر رئیس جمهور از انصراف قالیباف

به گزارش ایسنا، حمید ابوطالبی رئیس دفتر رییس جمهور در توییتز خود نوشت:

آقای قالیباف آخرین نماد سیاست ورزی ویژه از کاندیداتوری انصراف داد تا رهاشدگی سرمایه اجتماعی، درشکاف‌های ساختگی و انشاق و تقسیم‌های صوری را نبیند. حامیان و هواداران ایشان نیز که وی را سردار برنامه و کارنامه می‌خواندند، اکنون در گیر و دار این التهاب سیاسی در آستانه تصمیمی بزرگ ایستاده‌اند؛گروهی از ایشان که درمیان جناح اصولگرایی کسی را هم رده وی از منظر برنامه و کارنامه اجرایی نمی‌بینند، مردد خواهند ماند که چگونه سرنوشت کشور و ایران‌های انقلابی خویش را به دست اصولگرایی بسپارند؛ که بی برنامه و بی کارنامه اجرایی راهی این دیار پرمسئولیت در این شرایط خطیر شده است.گروه دیگر که قسمت عمده حامیان وی بوده و جذب برنامه می‌شوند، به برنامه و کارنامه اعتدال می‌پیوندند، تا درخصوص کشور و آینده کارم‌های استوار ببارزند. گروه سوم که اصولگرایان سنتی اند، به نماینده آن خط مشی –اگر انصراف ندهد– خواهند پیوست، تا حادقاً امیدوار بازسازی خویش به‌ دور از تدروی تا ۱۴۰۰ باشند.



رو بگمازند؛ناطق نوری در پایان یادآور شد: سیاسته است حامیان همه نامزدهای محترم، نسبت به رعایت اخلاق و شئونات اسلامی پایبند بوده تا انشاءله در سایه یک عزم ملی، شاهد انتخاباتی سالم و با نشاط باشیم.

وزرای آن را کمتر در این سال‌ها شاهد بودیم. اما، واقع، علما و مراجع وقت بسیار خوبی برای دیدار با روحانی و وزرا و معاونان اختصاصی داده‌اند. اما در برخی از دوره‌ها وضعیت به این شکل نبود. در دوره احمدی نژاد، مراجع و علما حتی خود احمدی نژاد را نمی‌پذیرفتند؛ معاونانشان را که اصلا.

این استاد دانشگاه و حوزه در پاسخ به سئوالی در مورد اینکه

از سوی اساتید و طلبه های جوان شاهد هستیم. وی افزود: البته در دوره های گذشته، مانند سال ۷۶، جریان اصلاحات در قم پیروز شد، همچنین در سال ۹۲، آقای روحانی بیشتر رای را نسبت به دیگران در این شهر کسب کرد.آیت الله موسوی تبریزی با اشاره به رضایت علما و مراجع از روحانی گفت: من چنین رابطه ی مثبتی بین چهره های برجسته در قم با روحانی و

آیتالله موسوی تبریزی معتقد است که علما و مراجع رابطه ی نسبت خوبی با روحانی نسبت به دولت های گذشته داشتند.

دبیر کل مجمع محققین و مدرسلین حوزه علمیه قم در گفتگو با انتخاب؛ در تشریح فضای انتخاباتی قم گفت: واقعا همچنان قابل پیش بینی نیست که استاتید و فضلا به سمت چه کسی تمایل دارند، چراکه نظرات متفاوتی را

